



تحلیل تطبیقی زبان و کارکردهای اجتماعی دعا در ادیان و فرهنگ‌های مختلف

پرویز شیبانی^{۱*}، عباس رهبری^۲

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/DUA.2025.31416.1195

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۱



چکیده

تحلیل تطبیقی زبان دعا در ادیان و فرهنگ‌های مختلف، یکی از بنیادی‌ترین اشکال ارتباط انسان با امر قدسی در سنت‌های مذهبی است. این پژوهش با بهره‌گیری از روش‌های میان‌رشته‌ای به بررسی زبان دعا در ادیان ابراهیمی، شرقی، باستانی و بومی می‌پردازد و نقش آن را در حفظ هویت فرهنگی، بازتولید ارزش‌های اجتماعی و انتقال باورهای معنوی تحلیل می‌کند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که ساختار زبانی دعاها، شامل واژگان، استعاره‌ها و شیوه‌های خطاب، تحت تأثیر زمینه‌های فرهنگی و تاریخی هر دین شکل می‌گیرد. دعاها آیینی اغلب از زبان رسمی یا کهن استفاده می‌کنند تا تداوم سنت را نشان دهند، درحالی‌که دعاها خودانگیخته بیشتر از زبان محاوره‌ای بهره می‌برند. استعاره‌های به‌کاررفته در دعاها، مانند تصویر پدرانه در مسیحیت یا وحدت کیهانی در هندوئیسم، بازتاب‌دهنده جهان‌بینی‌های فرهنگی خاص هستند. همچنین، ساختارهای نحوی و شیوه‌های خطاب در دعاها سلسله‌مراتب قدرت در جوامع مذهبی را بازتاب می‌دهند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که دعا به‌عنوان یک ابزار زبانی، حاوی جهان‌بینی‌های جمعی و اصول اخلاقی جوامع است. علاوه بر این، دعا در کنار حفظ میراث زبانی، بستری برای انتقال هنجارهای اخلاقی بین نسل‌ها فراهم می‌آورد. این بررسی تطبیقی امکان درک بهتر نقش دعا در شکل‌دهی به تجربه معنوی انسان را فراهم و به تقویت گفت‌وگوی بین‌فرهنگی کمک می‌کند.

کلیدواژه‌ها: تحلیل زبانی، هویت دینی، دعا، فرهنگ‌ها و ادیان



۱- استادیار گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان تهران. ایران (نویسنده مسئول) payaml_222@yahoo.com

۲- استادیار گروه آموزشی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان. تهران. ایران Azsazs45@gmail.com

۱. مقدمه

دعا، به عنوان یکی از کهن‌ترین و بنیادی‌ترین اشکال ارتباط انسان با امر قدسی، در تمامی تمدن‌ها نقش محوری در شکل‌دهی به معنویت فردی و هویت جمعی ایفا کرده است. این پدیده فراتر از مرزهای جغرافیایی و تاریخی، همواره ابزار اصلی نیایش، طلب رحمت و انتقال مفاهیم اعتقادی میان نسل‌ها بوده است. فراتر از بُعد شخصی، دعا در قالب مناسک جمعی نیز تجلی می‌یابد و به عنوان سازوکاری برای تقویت پیوندهای اجتماعی، تحکیم ارزش‌های فرهنگی و بازتاب‌دهی نظام‌های معنایی خاص هر جامعه عمل می‌کند. بررسی دعا به عنوان پدیده‌ای زبانی فرهنگی می‌تواند به شناخت بهتر اشتراکات و تفاوت‌های بین‌ادیانی و درک نقش آن در انتقال ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی کمک شایانی نماید. از این رو، تحلیل ساختار زبانی دعا در سنت‌های مختلف نه تنها از حیث زبان‌شناسی اهمیت دارد، بلکه درک عمیق‌تری از تجارب معنوی انسان و جهان‌بینی جوامع مختلف فراهم می‌آورد. با توجه به این اهمیت، هدف اصلی این پژوهش ارائه تحلیل تطبیقی ساختار زبانی دعا در ادیان و فرهنگ‌های مختلف است.

ضرورت انجام این پژوهش با توجه به دو عامل زیر آشکار می‌شود: نخست آنکه در جهان معاصر که تعاملات بین فرهنگی و گفت‌وگوی ادیانی اهمیت فزاینده‌ای یافته، تحلیل زبان دعا از منظر تطبیقی می‌تواند به فهم عمیق‌تر اشتراکات معنوی و تفاوت‌های فرهنگی میان ادیان کمک کند و بستر مناسبی برای تعامل و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز فراهم آورد. دیگر آنکه عنایت به نقش بنیادین دعا در شکل‌دهی به تجربه معنوی انسان‌ها و ارتباط با امر قدسی، نیاز به بررسی تطبیقی زبان دعا در ادیان مختلف بیش از پیش احساس می‌شود.

این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها است: دعا چگونه تحت تأثیر بافت زبانی و اجتماعی هر جامعه شکل می‌گیرد؟ چه تفاوت‌هایی میان دعا‌های آیینی و خودانگیخته در سنت‌های دینی مختلف وجود دارد؟ استعاره‌های زبانی و سبک‌های خطاب در دعا چگونه به شکل‌گیری جهان‌بینی‌های مذهبی کمک می‌کنند؟

۲. چارچوب نظری: استعاره‌های مفهومی

چارچوب نظریه «استعاره‌های مفهومی» که توسط جورج لیکاف و مارک جانسون (۱۹۸۰) در کتاب تحول‌آفرین^۱ خود با عنوان «استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم»، ارائه شد؛ برخلاف نگاه سنتی که استعاره را صرفاً یک آرایه ادبی و زینت کلام می‌دانست، لیکاف و جانسون استعاره را به عنوان یک ابزار



1. groundbreaking

شناختی ضروری معرفی می‌کنند که تفکر، تجربه و عمل روزمره ما را ساختار می‌بخشد. از منظر ایشان، استعاره تنها در زبان نیست، بلکه در فکر و عمل ما جاری است.

مبنای این نظریه بر مفهوم «نگاشت استعاری»^۱ استوار است. به این معنا که برای درک یک قلمرو مفهومی انتزاعی و پیچیده (قلمرو مقصد)، آن را بر اساس قلمروی عینی و ملموس (قلمرو مبدأ) درک و تجربه می‌کنیم. این فرایند، یک ارتباط نظام‌مند بین عناصر این دو قلمرو برقرار می‌کند.

به‌عنوان مثال، در استعاره شناخته‌شده «عشق سفر است»:

قلمرو مبدأ: سفر (عینی و ملموس)

قلمرو مقصد: عشق (انتزاعی و پیچیده)

نگاشت: عاشقان $\Rightarrow$ مسافران، رابطه $\Rightarrow$ وسیله نقلیه، مشکلات $\Rightarrow$ موانع مسیر، اهداف $\Rightarrow$ مقصد سفر
 این نگاشت به ما اجازه می‌دهد تا در مورد عشق با استفاده از واژگان حوزه سفر صحبت کنیم و بیندیشیم: «رابطه ما به بی‌راهه کشید»، «ما به بن‌بست رسیدیم» یا «همراهی تو در این مسیر چه لذتی دارد». لیکاف و جانسون سه نوع اصلی استعاره مفهومی را شناسایی کردند که برای تحلیل متون دعا بسیار کاربردی هستند:

استعاره‌های هستی‌شناختی^۲: در این نوع، مفاهیم انتزاعی (مانند احساسات، ایده‌ها) را به‌عنوان موجودیت‌های فیزیکی در نظر می‌گیریم تا بتوانیم آن‌ها را شناسایی، دسته‌بندی و در موردشان استدلال کنیم. مثلاً «ذهن را ظرف» فرض می‌کنیم: «ذهنم از افکار منفی پر شد» یا «از شر آن فکر خلاص شدم».

استعاره‌های جهت‌گیری^۳: این استعاره‌ها یک سیستم فضایی به مفاهیم می‌بخشند (مانند بالا/پایین، درون/بیرون، جلو/عقب). این‌ها معمولاً ریشه در تجربه فیزیکی بدن ما دارند. مثلاً «خوشحالی بالا است؛ اندوه پایین است»: «احساسی برانگیخته شد»، «روحیه‌ام افت کرد».

استعاره‌های ساختاری^۴: این نوع، پیچیده‌ترین و غنی‌ترین نوع استعاره است که در آن یک قلمروی کاملاً ساختاریافته (مانند جنگ، ساختمان، سفر) برای درک قلمروی دیگر به کار می‌رود. مثال

رتال جامع علوم انسانی

1. Metaphorical Mapping
2. Ontological Metaphors
3. Orientational Metaphors
4. Structural Metaphors



کلاسیک آن «بحث جنگ است» است: «او حرف مرا خرد کرد»، «من حمل‌هام را با استدلالی محکم شروع کردم».

انطباق چارچوب نظری با موضوع پژوهش:

فرض بر این است که مفاهیم انتزاعی دینی عمیق (مانند خدا، رحمت، هدایت، بهشت، گناه) از طریق استعاره‌های مفهومی مبتنی بر تجربیات ملموس انسانی (مانند نور، پدر، راه، آب، قضاوت) درک و بیان می‌شوند. برای مثال، استعاره‌هایی مانند «خدا نور است»، «الله رحمان و رحیم است» (استعاره هستی‌شناختی)، «هدایت یافتن» (استعاره جهت‌گیری)، یا «زندگی سفر است به سوی خدا» (استعاره ساختاری) با این چارچوب تحلیل خواهند شد. این رویکرد به ما امکان می‌دهد تا به جهان‌بینی نهفته در زبان ادیان مختلف پی ببریم و وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها را در سطحی عمیق‌تر و نظام‌مندتر کشف کنیم.

۳- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش توصیفی-تحلیلی با استفاده از روش‌های کیفی و تحلیل محتوای متون انجام شده است. ابزار تحلیل، نرم‌افزار MAXQDA برای کدگذاری مضامین زبانی (واژگان، استعاره‌ها، سبک‌های خطاب) و نظریه استعاره‌های مفهومی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) است. داده‌ها از منابع مکتوب، متون مقدس، پژوهش‌های پیشین و مطالعات موردی گردآوری و تحلیل شده‌اند.

جامعه آماری، ۵۰ متن دعایی از میان متون رسمی و غیررسمی انتخاب شدند که شامل ۲۰ دعای آیینی (رسمی) و ۳۰ دعای خودانگیخته بودند. معیارهای انتخاب متون دعایی شامل: (۱) نمایندگی معتبر از سنت دینی موردنظر، (۲) دسترسی به نسخه معتبر ترجمه‌شده یا اصلی، (۳) تنوع سبک زبانی (رسمی/محاوره‌ای) و (۴) بازتاب ساختار استعاری و نحوی مشخص در دعاها بود. ادیان مورد بررسی شامل اسلام، مسیحیت، یهودیت، هندوئیسم، بودیسم و ادیان بومی انتخاب شدند؛ زیرا این ادیان طیف متنوعی از ساختارهای زبانی، جغرافیای فرهنگی و سنت‌های دعایی را پوشش می‌دهند.

برای تحلیل داده‌ها، پس از استخراج متون دعایی، فرایند کدگذاری در نرم‌افزار MAXQDA انجام شد. ابتدا بر اساس نظریه استعاره‌های مفهومی لیکاف و جانسون (۱۹۸۰)، دسته‌بندی اولیه واژگان و ساختارهای نحوی انجام گرفت. در مرحله بعد، کدهای تحلیلی شامل «نوع خطاب»، «نوع استعاره»، «ساختار نحوی»، «واژگان کلیدی» و «زمینه فرهنگی دعا» تعریف شدند. سپس هر متن دعایی با استفاده از این کدها تحلیل شد و در مرحله نهایی، فراوانی و توزیع مفاهیم کلیدی استخراج شد.



۵. پیشینه پژوهش

مطالعه دعا به عنوان پدیده‌ای چندبُعدی در تقاطع زبان، فرهنگ و دین، توجه پژوهشگران حوزه‌های مختلف را به خود جلب کرده است. بررسی مطالعات پیشین نشان می‌دهد که تحلیل دعا غالباً در چارچوب یک دین خاص انجام شده و پژوهش‌های میان فرهنگی درباره تطبیق زبانی و محتوایی دعاها محدود بوده‌اند. این بخش به بررسی مطالعات مرتبط با دعا در اسلام، مسیحیت، یهودیت، هندوئیسم، بودیسم و ادیان بومی پرداخته و جایگاه تحقیق حاضر را در میان پژوهش‌های موجود مشخص می‌کند.

۵-۱. پیشینه مطالعات مربوط به دعا در اسلام

مطالعاتی درباره نقش دعاها در عرفانی در تصوف اسلامی: تحلیل مناجات‌های امام علی (ع) در نهج‌البلاغه و دعاها در صوفیانه (زرین کوب، ۱۳۷۵: ۲۱۶-۲۳۰) و همچنین تحلیل زبان شعرگونه در مناجات‌های امام علی (ع) در نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که این دعاها با به کارگیری تصاویر استعاری عمیق و مفاهیم عرفانی، هم نقش عبادی داشته‌اند و هم الگویی برای سلوک معنوی ارائه کرده‌اند (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۱۴۷). این مناجات‌ها در سنت اسلامی، به‌ویژه در آثار عارفانی چون ابن عربی، با تلفیق مفاهیم قرآنی و تجربیات باطنی، گنجینه‌ای از عشق الهی را ارائه می‌کنند (Nasr, 2007: 89). دعاها در صوفیانه در دو بعد عمل می‌کنند: هم بازتاب رابطه عاشقانه با حق هستند و هم نقش آموزشی در سلوک معنوی ایفا می‌نمایند. این متون با ترکیب ظریف مفاهیم فلسفی و تجربیات شهودی، زبان ویژه‌ای از عرفان عملی ایجاد کرده‌اند (همان: ۹۱). همان‌گونه که زرین کوب (۱۳۷۵) در تحلیل تصوف ایرانی نشان داده و شفیعی کدکنی (۱۳۸۶) و نصر (۲۰۰۷) نیز تأیید کرده‌اند، دعاها در عرفانی در اسلام - اعم از مناجات‌های علوی و ادعیه صوفیانه - از دو بعد فردی (رابطه عاشقانه با خدا) و جمعی (تربیت معنوی جامعه) برخوردار بوده‌اند.

۵-۲. پیشینه مطالعات مرتبط با دعا در مسیحیت

آگوستین (۱۹۹۸/۳۹۷) در اعترافات، دعا را به عنوان «نفس روح» و وسیله اتحاد با خدا تفسیر کرده است (Augustine, ۱۹۹۸: bk. 10, chap. 1). ترزا آویلائی (۱۹۶۱/۱۵۷۷) در قلعه درونی، دعا را به عنوان سفر درونی برای ملاقات با خدا توصیف نموده است (Avila, ۱۹۶۱: Chapter ۱, Section ۲). توماس مرتون (۱۹۶۹/۱۹۴۹) در دعای تأملی بر نقش دعا در گشودن دروازه‌های قلب به روی نور الهی تأکید کرده است (Merton, 1969: 45). در سنت پروتستانیسم، کتاب دعای مشترک (Keane, Bray, ۲۰۲۱, Matins pray) دعا را به عنوان قلب زنده ایمان معرفی می‌کند (بخش صبح‌گاه).



مطالعات تطبیقی Pelikan (۱۹۷۴) نشان می‌دهد که دعا‌های مسیحی، علی‌رغم تنوع، بر شفاعت مسیح و امید به رستگاری متمرکزند (Pelikan, 1974: 122).

۳-۵. پیشینه مطالعات مرتبط با دعا در یهودیت

دعای شماع (تثنیه ۶: ۹-۴) به‌عنوان محوری‌ترین نیایش یهودی، از طریق تکرار روزانه، هویت دینی را در حافظه جمعی قوم یهود نهادینه می‌کند (Heschel, 1955: 143). این مکانیزم در آیین‌های مرتبط با خروج از مصر نیز مشهود است، جایی که روایت تاریخی از طریق مناسک عبادی به تجربه‌ای زنده تبدیل می‌شود (Elbogen, 1993: 91). یروشالمی (2011) در «ذکر و تاریخ: یهودیت و حافظه»: به ارتباط دعا با حوادث تاریخی و هویت دینی یهودیان پرداخته است (Yerushalmi, 2011). تحلیل دعا‌های تورات و مزامیر: تأکید بر دعا‌های طلب رستگاری و پیوند آن‌ها با تاریخ قوم بنی اسرائیل (گرینبرگ، ۱۳۸۰). این تحقیقات درباره دعا‌های یهودی در دوره هولوکاست: دعا‌های یهودیان در زمان جنگ جهانی دوم، بازتابی از رنج تاریخی و امید به بازگشت الهی برای آن‌ها بوده است (Greenberg, 1993).

۴-۵. پیشینه مطالعات تطبیقی در دعا‌های شرقی (هندوئیسم، بودیسم، تائوئیسم)

گوین فلاد^۱ (۱۹۹۶) در «مقدمه‌ای بر هندوئیسم»: دعا‌های هندو را از منظر ماتراها و مناسک آیینی بررسی کرده است (Flood, 1996). کلوسترمایر^۲ (۲۰۰۷) در «مطالعات آیین هندو»: نقش دعا‌های سانسکریت در تنظیم زندگی معنوی را تحلیل کرده است (Flood, 1996: 112-135). تحقیقات درباره دعا‌های بودایی و نقش ذهن‌آگاهی: تکرار ماتراها و دعا‌های مرتبط با روشنگری در بودیسم بررسی شده‌اند (Lopez, 2004: 45-60). لائو (۱۳۸۰) در «تائو ته چینگ»: دعا را ابزاری برای هم‌سویی با نظم کیهانی معرفی کرده است (لائو، ۱۳۸۲: ۲۳).

۵-۵. پیشینه مطالعات مرتبط با دعا در ادیان بومی و شمنیسم

الیاده (۱۳۹۵) در «شمنیسم: فنون کهن خلسه»: دعا‌های شمنی را فرایند ارتباط با ارواح و نیروهای طبیعت توصیف کرده است (الیاده، ۱۳۸۸). کاستاندا (۱۳۷۵) در «آموزه‌های دن خوان»: دعا‌های بومی آمریکای لاتین را ابزار انتقال سنت‌های اجدادی معرفی کرده است (کاستاندا، ۱۳۷۵). مطالعات میدانی نشان می‌دهد که دعا‌های شفابخشی در آیین‌های درمانی جوامع بومی (مانند شامان‌های سبیری و پزشکان-جادوگران آفریقایی) نقش محوری دارند. این آیین‌ها اغلب با خواندن اوراد خاص و استفاده از نمادهای

1. Gavin Flood
2. Klostermaier



طبیعی همراه هستند (الیاده، ۱۳۸۸: ۱۲۳). مطالعات انسان‌شناسی نشان می‌دهد که در شمنیسم سبیری و آیین‌های آفریقایی، دعاها برای تدفینی برای هدایت روح متوفی به جهان دیگر خوانده می‌شوند. این آیین‌ها اغلب شامل اوراد خاص و همراهی شمن با روح در سفر پس از مرگ است (Turner, Abrahams, & Harris, 1969: 95; الیاده، ۱۳۸۸: ۱۸۲).

تفاوت این پژوهش با سایر پژوهش‌ها، در این است که بیشتر پژوهش‌های قبلی بر دعا در یک دین خاص تمرکز داشته و عمدتاً به مفاهیم مذهبی و معنوی دعا پرداخته‌اند، اما این پژوهش تحلیل زبانی، سبک‌های نحوی و استعاره‌های زبانی دعاها را بررسی کرده است. پژوهش‌های گذشته بیشتر دینی یا تاریخی بوده‌اند، اما این تحقیق از چهارچوب میان‌رشته‌ای شامل فلسفه دین، انسان‌شناسی فرهنگی و تحلیل گفتمان استفاده کرده است. چنین رویکردی امکان بررسی دعاها از زاویه‌های اجتماعی، زبانی و فرهنگی را فراهم می‌کند. اکثر پژوهش‌های پیشین دعا را صرفاً از منظر الهیاتی تحلیل کرده‌اند، درحالی که این تحقیق نشان داده است که دعا نقش اجتماعی و روان‌شناختی مهمی دارد.

۶. تحلیل تطبیقی زبان دعا در سنت‌های مذهبی

۶-۱. دعا در ادیان ابراهیمی

اگرچه ادیان ابراهیمی از ساختارهای زبانی متفاوتی برای دعا استفاده می‌کنند، اما از الگوهای مشترکی نیز برخوردارند؛ بر این اساس، بر مبنای مؤلفه‌های زبانی فرهنگی زیر مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

۱. **واژگان کلیدی و مفاهیم مشترک** (مانند رحمت، هدایت، نور، بخشش)
۲. **ساختارهای نحوی** (مانند جملات امری، ندایی، منادا و الگوهای تکراری)
۳. **استعاره‌های مفهومی** (بر اساس نظریه لیکاف و جانسون؛ مانند «الله نور السموات و الأرض»، «پدر آسمانی»)

۴. سبک‌های خطاب (مانند استفاده از القاب احترام‌آمیز، صفات الهی)

- ۱-۶. **دعا در اسلام:** در فرهنگ اسلامی، دعا یک عمل پراهمیت محسوب می‌شود که شامل دعا‌های خاص و عمومی است. زبان عربی به‌عنوان زبان دعا‌های رسمی و مذهبی، بار معنایی خاصی به این دعاها می‌دهد. دعا در اسلام جایگاهی مرکزی دارد و به دو شکل دعا‌های رسمی (مانند نماز) و دعا‌های غیررسمی (مناجات‌های فردی) بیان می‌شود. در اسلام زبان عربی به‌عنوان زبان وحی، در دعا‌های رسمی غالب است، اما دعا‌های شخصی می‌توانند به زبان‌های مختلف اجرا شوند.



مطالعه متون دعایی اسلامی بر اساس چارچوب نظری لیکاف و جانسون، نگاشت‌های استعاری قدرتمندی را آشکار می‌کند. یکی از پرکاربردترین آن‌ها، استعاره «هدایت، نور است» است که نمونه‌ی اعلای آن در «آیه نور» (قرآن، نور: ۳۵) تجلی یافته است: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ». در این نگاشت هستی‌شناختی، مفهوم انتزاعی «هدایت الهی» (قلمرو مقصد) با استفاده از مفهوم کاملاً ملموس «نور» (قلمرو مبدأ) درک می‌شود. نور که ویژگی‌های روشن‌کنندگی، راهنمایی و امنیت‌بخشی دارد، به‌صورت استعاری به خداوند و دین او نسبت داده می‌شود. این نگاشت در خطاب‌های دعایی مانند «یا نور» نیز مشاهده می‌شود. استعاره پرتکرار دیگر، «خداوند پدر است» است که نمونه‌ی آن در دعاهایی مانند «اللهم انتَ الْآبُ» یافت می‌شود. این یک استعاره هستی‌شناختی است که رابطه خدا و بنده را در قالب رابطه عاطفی و اقتداری پدر و فرزند مفهوم‌پذیر می‌سازد. دعا در تصوف اسلامی مانند اذکار و اوراد، ابزار سلوک عرفانی محسوب می‌شود (چیتیک، ۱۳۸۹: ۸۹).

۲-۱-۶. دعا در مسیحیت

در متون نخستین مسیحیت، به‌ویژه «آموزه دوازده رسول»^۱، ساختار دعاها نقشی راهبردی در تربیت دینی و سازماندهی عبادت‌های جمعی داشته‌اند (Holmes, 2007: 35). این اثر نه تنها آیین‌های عبادی را تنظیم کرده، بلکه دعا را به‌عنوان ستون نظم کلیسایی و ابزار آموزش اخلاقی معرفی کرده است. تحلیل زبان‌شناسانه این متون بر اساس چارچوب نظری لیکاف و جانسون (۱۹۸۰)، نگاشت‌های استعاری بنیادینی را آشکار می‌کند که جهان‌بینی مسیحی را شکل می‌دهند.

۲-۱-۶-۱. ویژگی‌های زبانی و استعاری دعا در مسیحیت

خطاب‌های پدرانه و استعاره‌های هستی‌شناختی: پرکاربردترین و کلیدی‌ترین استعاره در دعا‌های مسیحی، نگاشت «خداوند پدر است»^۲ می‌باشد. این یک استعاره هستی‌شناختی است که رابطه بین خدا و انسان را در قالب رابطه‌ای عاطفی، اقتداری و مبتنی بر تعلق خانوادگی مفهوم‌پذیر می‌سازد. این نگاشت در متون مقدس مانند متی ۶: ۹: «پدر ما که در آسمانی» و در آیین‌های عبادی مانند خطاب «پدر آسمانی» یا «آبا»^۳ ریشه دوانده است (Augustine, 1998: 123). این استعاره، مفاهیم انتزاعی رحمت، بخشش و مراقبت الهی را ملموس می‌کند.

1. Didache
2. God is a Father
3. Pater



استعاره‌های جهتی و فضایی: مفهوم «پادشاهی خدا»^۱ که در دعاهایی مانند «دعای ربانی» «پادشاهی تو بیاید» محوری است، خود یک استعاره ساختاری جهتی است. در این نگاشت، حاکمیت خدا به مثابه یک قلمرو^۲ در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند «بیاید» (به سوی ما حرکت کند)^۳ و در آن خدا در موضع یک «پادشاه» (استعاره هستی‌شناختی) قرار دارد.

استعاره‌های مسیر و هدایت: درخواست‌های صریحی مانند «خداوندا، ما را هدایت کن» (Bray et al., 2021, prayMatins). بر اساس نگاشت استعاری «زندگی یک سفر است و خدا راهنمای این سفر است» عمل می‌کنند. این یک استعاره ساختاری است که در آن ایمان به‌عنوان یک مسیر و خداوند به‌عنوان راهنما یا چراغ‌پای (نور) تصور می‌شود. این درخواست‌ها، نیاز به جهت‌گیری اخلاقی و معنوی را بازتاب می‌دهند.

موزون و آهنگین‌بودن: استفاده از دعاهای موزون و سرودی مانند «دعای ربانی» (Pelikan, 1974: 89). نه تنها برای حفظ سنت، بلکه برای ایجاد حس وحدت و هماهنگی جمعی است. این ویژگی، بعد عاطفی و تجربی دعا را تقویت می‌کند و آن را از یک متن صرفاً متنی به یک «رویداد زبانی» مشترک تبدیل می‌نماید.

۲-۱-۲. نقش اجتماعی دعا در مسیحیت

ابزار اتحاد و انسجام جمعی: دعاهای رسمی و آیینی مانند «عشای ربانی»، با به‌کارگیری زبان و استعاره‌های مشترک (مانند «پدر» و «پادشاهی»)، جامعه پراکنده مؤمنان را به یک «بدن» (استعاره دیگر مسیحی) واحد تبدیل می‌کند. این آیین‌ها، نظم اجتماعی کلیسا را بازتولید و هویت جمعی مسیحی را تقویت می‌نمایند.

وسیله‌ای برای تجربه عرفانی و فردی: در مقابل بعد جمعی، در سنت عرفانی مسیحیت (مثلاً در آثار توماس مرتون)، دعا به‌عنوان یک «سفر درونی» (استعاره سفر) و وسیله‌ای برای نزدیکی شخصی و بی‌واسطه با خدا تعریف می‌شود (Merton, 1969: 77). در اینجا، زبان دعا از ساختارهای ثابت آیینی فاصله گرفته و از استعاره‌های عاشقانه و تجربی برای بیان رابطه فرد با امر قدسی بهره می‌برد.



1. Kingdom of God
2. Kingdom
3. Orientational

۳-۱-۶. دعا در یهودیت

در آیین یهود، دعا^۱ به زبان مقدس عبری و معمولاً در قالب متون ثابت و آیینی (مثل سیدور) اجرا می‌شود. این امر تنها یک انتخاب زبانی نیست، بلکه بازتاب یک نگاشت استعاری عمیق‌تر است: «زبان عبری، زبان قدسی و واسطه ارتباط بی‌واسطه با خداوند است». این نگرش، عبری را به یک قلمرو مبدأ ملموس برای مفهوم انتزاعی «تقدس» و «امت» تبدیل می‌کند.

۱-۳-۶. ویژگی‌های زبانی و استعاری دعا در یهودیت

استعاره‌های تاریخی حافظه‌ای و هستی‌شناختی: هسته مرکزی بسیاری از دعا‌های یهودی، نگاشت استعاری «تاریخ، حافظه است و حافظه، هویت است» می‌باشد. این یک استعاره ساختاری قدرتمند است که در آن رویدادهای تاریخی (قلمرو مبدأ) به عناصر تشکیل‌دهنده هویت دینی و قومی در زمان حال (قلمرو مقصد) تبدیل می‌شوند. برای مثال، در آیین سدر پسخ، نه تنها روایت خروج از مصر نقل می‌شود، بلکه از هر شرکت‌کننده خواسته می‌شود خود را همچون کسی ببیند که «امشب از مصر خارج شده است». (Yerushalmi, 2011:155). این فراخوان، یک استعاره جهتی قوی «خروج از بردگی به سوی آزادی» و یک استعاره هستی‌شناختی «من همان خروج‌کننده هستم» را به کار می‌گیرد تا گذشته را به حال پیوند زند و هویت جمعی را بازتولید کند.

خطاب و استعاره رابطه عهدی: خطاب معروف «شما اسرائیل» (بشنو ای اسرائیل، تثیه ۶: ۴) تنها یک شروع نیست، بلکه پایه یک استعاره ساختاری کلیدی را تشکیل می‌دهد: «رابطه خدا و قوم یهود، یک عهد (قرارداد) است». در این نگاشت، خداوند به عنوان «پادشاه» یا «شریک عهد» و قوم یهود به عنوان «طرف مقابل پیمان» تصور می‌شوند. زبان دعا، زبان این پیمان است که بر پایه وظایف متقابل (میصوت)، یادآوری نعمت‌ها و طلب رحمت استوار شده است. این استعاره، رابطه را در چارچوبی قانونمند، تاریخی و جمعی تعریف می‌کند.

درخواست‌های جهان‌شمول و استعاره عدالت: درخواست‌های خاص قومی، دعاهایی با درون‌مایه‌های جهان‌شمول نیز وجود دارند که بر اساس نگاشت «رستگاری، صلح جهانی است» عمل می‌کنند. درخواست‌هایی مانند «باشد که همه موجودات از رنج رها شوند» (reenberg, 1993: G)

1. Tefilah
2. alongside



204)، مفاهیم انتزاعی رستگاری و نجات (قلمرو مقصد) را با آرمان‌های ملموس صلح و رفع درد (قلمرو مبدأ) پیوند می‌زنند و دیدگاه اخلاقی جهان‌شمول یهودیت را نشان می‌دهند.

۲-۳-۱-۶. نقش اجتماعی دعا در یهودیت

تقویت هویت قومی و انسجام از طریق حافظه آیینی: دعا‌های جماعتی مانند قرائت تورات در کنیسه، صرفاً یک عمل مذهبی نیستند؛ بلکه آیین‌هایی برای زنده‌نگاه‌داشتن حافظه جمعی و تقویت پیوندهای قومی هستند. هر مناسبت تاریخی (مانند پوریم، یوم کیپور) با مجموعه خاصی از نیایش‌ها همراه است که با فعال‌سازی نگاشت «تاریخ-حافظه»، انسجام اجتماعی جامعه یهود را در زمان و مکان حفظ می‌کنند.

جدول ۱: مقایسه استعاری دعا در ادیان ابراهیمی

دین	استعاره‌های هستی‌شناختی کلیدی	استعاره‌های ساختاری کلیدی	استعاره‌های جهتی کلیدی	نقش اجتماعی غالب
اسلام	الله نور است، خداوند رحمان است	تسلیم‌شدن (اسلام) راه راست است	خداوند بالا است، بهشت بالا/جنت است	ایجاد امت واحد (جامعه)، تمرکز بر عدالت
مسیحیت	خداوند پدر است، مسیح نور است	زندگی سفر است، پادشاهی خدا می‌آید	بهشت بالا است، رستگاری بالا است	ایجاد کلیسا (بدن مسیح)، تمرکز بر نجات و رحمت
یهودیت	خداوند پادشاه/شریک عهد است	تاریخ حافظه است ، رابطه یک عهد است	از بردگی به آزادی، تبعید به بازگشت	حفظ قوم (امت)، تمرکز بر حافظه تاریخی و بازسازی

۴-۱-۶. تحلیل تطبیقی دعا‌های آیینی و خودانگیخته

دعا‌های آیینی معمولاً از زبان رسمی، واژگان کهن و ساختار نحوی ثابت برای تداوم سنت و تقویت هویت جمعی بهره می‌برند (مانند نمازهای جمعی در اسلام یا سرودهای کلیسایی در مسیحیت). دعا‌های خودانگیخته، برخلاف آیینی، از زبان محاوره‌ای و ساختار انعطاف‌پذیر استفاده می‌کنند و بیشتر بیانگر تجربه شخصی و نیازهای فردی هستند. در دعا‌های آیینی، تکرار، قالب‌بندی و رعایت آداب و رسوم اهمیت دارد، درحالی‌که دعا‌های خودانگیخته معمولاً با عواطف و نیازهای لحظه‌ای فرد پیوند دارند و از آزادی بیشتری در انتخاب واژگان و ساختار برخوردارند.



تفاوت‌های کلیدی بین دعا‌های آیینی و خودانگیخته در ادیان ابراهیمی را نشان می‌دهد. دعا‌های آیینی معمولاً قالب‌مند، با متون مقدس ثابت و زبان رسمی هستند که در مراسم جمعی و بانظم مشخص اجرا می‌شوند؛ به‌ویژه در یهودیت که نظم و تکرار مراسم اهمیت زیادی دارد. در مقابل، دعا‌های خودانگیخته بیشتر جنبه فردی و لحظه‌ای دارند و با زبان ساده‌تر و احساسات شخصی بیان می‌شوند که در اسلام و مسیحیت نقش برجسته‌ای دارند. این دو نوع دعا بازتابی از تعامل میان ساختار دینی رسمی و تجربه فردی مؤمنان است که هر دو در تقویت ارتباط معنوی با خداوند اهمیت دارند. (جدول ۲)

جدول ۲: مقایسه ساختار دعا‌های آیینی و خودانگیخته در ادیان ابراهیمی

ویژگی	دعا‌های آیینی	دعا‌های خودانگیخته
زبان	رسمی، مقدس	محاوره‌ای، بومی
ساختار نحوی	ثابت، تکراری، موزون	آزاد، انعطاف‌پذیر
سبک خطاب	احترام‌آمیز، با القاب	صمیمی، مستقیم
کاربرد استعاره	گسترده و نمادین	شخصی و متنوع
نقش اجتماعی	تقویت هویت جمعی، تداوم سنت	بیان تجربه فردی، نیازهای شخصی

۲-۶. دعا در ادیان شرقی

در ادیان شرقی مانند هندوئیسم، بودیسم و تائوئیسم، دعاها اغلب با زبان‌های مقدس (سانسکریت، پالی، چینی) و در قالب ماتراها، سرودها و مراقبه بیان می‌شوند.

۱-۲-۶. دعا در هندوئیسم

دعا‌های هندو عمدتاً به زبان سانسکریت و در قالب ماتراها و سرودهای آیینی بیان می‌شوند.

۱. استفاده از واژگان مقدس و تکرار ماتراها مانند «اوم» و «گایتری ماترا» (Eck, 1998:45).

۲. استعاره‌هایی چون «نور دانش» و «وحدت کیهانی».

۳. ساختار دعاها معمولاً شامل ستایش ایزدان، طلب رحمت و آرزوی رهایی معنوی است.

نقش اجتماعی دعا در هندوئیسم:



مطالعات مردم‌نگارانه فولر^۱ (۱۹۹۲) نشان می‌دهد که دعا‌های هندو، به‌ویژه ماتراهایی مانند «اوم» و «ناما شیوا»، نه تنها نقش آیینی دارند، بلکه در ساختارهای اجتماعی و تعاملات روزمره نیز حضور مؤثر دارند. او در بررسی «کیرتان»، به عنوان نیاپیش گروهی، توضیح می‌دهد که چگونه دعا به تقویت هویت مذهبی، نظم اجتماعی و روابط بین فردی کمک می‌کند (Fuller, 1992: 72).

• دعا‌های جمعی مانند «کیرتان» (سرودگویی گروهی) نقش مهمی در ایجاد هم‌بستگی اجتماعی دارند (Klostermaier, 2007: 112).

• آیین پوجا، ارتباط میان فرد و نیروهای کیهانی را تقویت می‌کند (Flood, 1996: 132).

۲-۲-۶. دعا در بودیسم

دعا در بودیسم با سایر ادیان تفاوت دارد، زیرا هدف آن ارتباط با موجودی متعالی نیست، بلکه تمرکز ذهن، پالایش درون و دستیابی به نیروانا است.

۶-۲-۲-۱- ویژگی‌های زبانی دعا در بودیسم:

• استفاده از ماتراها به عنوان ابزار ذهن آگاهی

• تکرار ذکر «نمو آمیدا بوتسو» در بودیسم سرزمین پاک (مکتب جوودو-شین) نه تنها یک عمل عبادی، بلکه روشی برای تحقق «ساده‌نگاری»^۲ یا تکیه بر نیروی رستگاری بودایی است (سوزوکی، ۱۳۸۲: ۱۴۴). این عمل در ژاپن به‌ویژه در مکتب شینران اهمیت بنیادی دارد (Bloom, 1985: 32).

• استعاره‌های مرتبط با چرخه حیات مانند «نیلوفر» که نماد پاکی و روشنگری است.

۲-۲-۶. دعا در تائوئیسم

دعا در تائوئیسم بیشتر به هماهنگی با نظم کیهانی و پذیرش جریان طبیعی زندگی مرتبط است.

ویژگی‌های زبانی دعا در تائوئیسم:

• استفاده از زبان نمادین مانند «آب» (انعطاف‌پذیری)، «باد» (نظم طبیعی) (لائو، ۱۳۸۲: ۲۱).

• عدم استفاده از ساختارهای خطابی؛ دعاها بیشتر بی‌کلام یا در قالب حرکات‌های بدنی (مثل تای چی) اجرا می‌شوند.

• استعاره‌هایی مانند «درخت خمیده» که نماد تواضع و پذیرش است.

• تکرار جملات متناقض مانند «داننده سخن نمی‌گوید، گوینده نمی‌داند» (لائو، ۱۳۸۲: ۵۶).



1. Fuller
 2. tariki

آیین‌های جمعی تائوئیستی مانند مراسم «جیانو» (Jiao) که به‌عنوان آیین‌های تجدید و ترکیه جامعه شناخته می‌شوند، با استفاده از دعا‌های نمادین، رقص‌های آیینی و اجرای موسیقی، به تقویت وحدت اجتماعی و هماهنگی با نظام کیهانی می‌پردازند (Lagerwey, ۱۹۸۷: ۱۰۲-۱۰۵).

جدول ۳: مقایسه نگاشت‌های استعاری کلیدی و ساختار دعا در ادیان شرقی

دین/مکتب	زبان غالب دعا	ساختار غالب دعا	نگاشت استعاری کلیدی (قلمرو مبدأ ← قلمرو مقصد)	مثال از متون دعا
هندوئیسم	سانسکریت	مانترا، سرود (کیرتان)، ستایش	نور ← دانش و رستگاری (ज्ञानमय - Jnanam Jyotir)	«از تاریکی‌ها مرا به سوی نور رهنمون شو. از عدم به وجود حقیقی رهنمون شو» (برایه‌آرنیکا اوپانیشاد، ۱.۳.۲۸)
			راه ← مسیر معنوی و دهر مه (धर्ममार्ग - Dharma Margo)	«ما را به راه راست هدایت کن» (ریگ ودا، ۱/۱۸۹/۱)
بودیسم	سانسکریت/پالی	مانترا، ذکر، مراقبه	دریای رنج ← چرخه تولد و مرگ (سامسارا)	«همه موجودات مالک کار خویشند. از سامسارا رهایی می‌یابند» (ماتراهای متعارف)
			نور ← حکمت و روشنگری (بودهی)	«اوم مانی پدیه هوم» (مانترای معروف: «ای گوهر در نیلوفر آبی، آمین») که نماد تبدیل رنج به نور حکمت است.
تائوئیسم	چینی کلاسیک	حرکات نمادین (چی گونگ)، عبارات پارادوکسیکال	آب ← انعطاف‌پذیری و قدرت نرم (وو وی)	«هیچ چیزی در جهان نرم‌تر و ضعیف‌تر از آب نیست، باین‌حال برای حمله به آنچه سخت و قوی است، چیزی برتر از آن نیست» (تائو ته چینگ، بند ۷۸ - در قالب تفکر مراقبه‌ای)
			راه (تائو) ← منشأ و قانون نهایی کیهان	«راهی که بتوان پیمود، راه همیشگی نیست» (تائو ته چینگ، بند ۱)



۳-۶. دعا در ادیان باستانی و بومی

علی‌رغم ادیان ابراهیمی و شرقی که دعا اغلب به‌عنوان نیایش فردی یا ابزار تمرکز معنوی دیده می‌شود، در بسیاری از سنت‌های باستانی و بومی، دعا ابزاری آیینی برای ارتباط با نیروهای طبیعت، اجداد و روح‌های مقدس محسوب می‌شود.

۱-۳-۶. دعا در آیین زرتشتی

در آیین زرتشت، دعا یکی از اصول عبادتی است که ارتباط مستقیم با اهورامزدا را برقرار می‌کند. متون اوستایی، به‌ویژه گات‌ها، مهم‌ترین دعا‌های زرتشتی را در قالب شعرهای مقدس ارائه می‌دهند.

ویژگی‌های زبانی دعا در آیین زرتشتی:

- استفاده از زبان اوستایی به‌عنوان زبان مقدس دعاها (دوست‌خواه، ۱۳۷۷: ۱/۱۲۳).
- در سنت زرتشتی، تقابل خیر و شر به‌عنوان محور جهان‌بینی مطرح است، چنانکه در گات‌ها (سرودهای زرتشت) آمده است: «اَشِم وَهیشته اِستی» (بهترین راستی است) (یسن ۴۷.۴). این مفهوم بنیادی بیانگر پیروزی نهایی راستی بر دروغ در نظام کیهانی زرتشتی است (معین، ۱۳۶۴: ۷۸/۱).
- استفاده از استعاره‌های کیهانی: «آتش حقیقت»، «نور اهورامزدا» (بویس، ۱۳۸۶: الف ۶۷).
- ساختارهای تکراری برای تقویت یادآوری مفاهیم معنوی و قدرت دعاها (موله، ۱۳۶۹: ۱۴۵).
- نقش اجتماعی دعا در آیین زرتشتی:
- دعا‌های جمعی مانند نیایش‌های جشن نوروز، انسجام جامعه زرتشتی را تقویت می‌کنند (بویس، ۱۳۸۶: الف ۱۱۱).

۲-۳-۶. دعا در سنت‌های شمنیستی

دعا شکلی آیینی دارد که از طریق آوازهای مقدس، زمزمه‌های درمانی و ارتباط با ارواح اجرا می‌شود.

- ویژگی‌های زبانی دعا در شمنیست:

- شامان‌ها در آیین‌های درمانی خود از زبان‌های بومی و واژگان رمزی استفاده می‌کنند که برای غیرمعمول‌دانان نامفهوم است. این زبان‌ها اغلب حاوی اصطلاحات کهن و ارجاع به ارواح طبیعت است (H arner, 1990: 56).
- استعاره‌های مرتبط با طبیعت: «درخت زندگی»، «آب روح»، «پلنگ مقدس» (الیاده، ۱۳۹۵: ۱۱۷).



- ساختار صوتی آیینی شامل زمزمه‌های ریتمیک و اصوات نامفهوم برای ورود به خلسه معنوی (H arner, 1990: 63).
- دعاها اغلب به شکل دیالوگ با ارواح و اجداد تنظیم می‌شوند.

جدول ۴: مقایسه مختصر کارکرد و ویژگی‌های دعا در ادیان باستانی و بومی

دین/سنت	ویژگی زبانی	نگاشت استعاره‌ی کلیدی	نقش اجتماعی
زرتشتی	اوستایی، تکراری	نور ⇨ حقیقت: آتش ⇨ نظم کیهانی	انسجام جامعه، تشریف
شمنیستی/بومی	بومی، رمزی، آهنگین	طبیعت ⇨ healing: سفر ⇨ گذار روح	درمان، انسجام قبیله‌ای

۳-۳-۶. دعا در سنت‌های بومی آفریقا و آمریکا

در سنت‌های بومی آفریقا و آمریکا، دعا بخش جدایی‌ناپذیر از آیین‌های مذهبی است و اغلب به‌صورت شفاهی اجرا می‌شود.

ویژگی‌های زبانی دعا در سنت‌های بومی:

- استعاره‌های مرتبط با طبیعت: «خورشید زندگی»، «باران برکت»، «رودخانه روح» (H arner, 1990: 95).

- ساختارهای صوتی شامل آوازهای گروهی، حرکات آیینی و سازهای بومی
 - دعاها اغلب همراه با رقص‌های آیینی و موسیقی مقدس اجرا می‌شوند (کاستاندا، ۱۳۷۵: ۸۹).
- نقش اجتماعی دعا در سنت‌های بومی:

- نیایش‌های مرتبط با اجداد، حافظ هویت فرهنگی و سنت‌های قبیله‌ای هستند

دعا در ادیان باستانی و بومی، علاوه بر نقش ارتباطی، بازتاب‌دهنده جهان‌بینی مبتنی بر طبیعت و اجداد است؛ درحالی‌که در آیین زرتشتی، دعاها ساختاریافته و متمرکز بر تقابل خیر و شر هستند، در سنت‌های بومی، انعطاف‌پذیری و کاربرد عینی‌تر (درمان، کشاورزی) مشهود است. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده تأثیر عمیق بافت فرهنگی و محیطی بر شکل‌گیری آیین‌های دعاست.

۴-۶. تحلیل مؤلفه‌های زبانی و ساختاری دعاها

دعاها در اغلب ادیان، به‌ویژه در متون آیینی، با زبان‌های مقدس یا زبان‌هایی با بار معنایی و تاریخی ویژه بیان می‌شوند. سبک خطاب معمولاً رسمی، احترام‌آمیز و همراه با القاب و صفات خاص برای خداوند یا



موجودات مقدس است. ساختار نحوی دعاها اغلب شامل جملات امری، ندایی و پرسشی است. تکرار، تقارن و استفاده از جملات کوتاه و موزون از ویژگی‌های بارز دعا‌های آیینی است. استعاره‌های مفهومی، مطابق نظریه لیکاف و جانسون، از مهم‌ترین ابزارهای زبانی در دعا هستند و مفاهیم انتزاعی دینی مانند هدایت، رحمت، بخشش یا رهایی را با واژگان ملموس و قابل درک بیان می‌کنند. دعا‌های آیینی معمولاً ساختاری ثابت، زبان رسمی و قالب‌های مشخص دارند و برای تداوم سنت و هویت جمعی به کار می‌روند. در مقابل، دعا‌های خودانگیخته ساختاری باز، زبان محاوره‌ای و انعطاف‌پذیر دارند و بیشتر بیانگر تجربه شخصی و نیازهای فردی هستند. موسیقی و صوت نیز در بسیاری از سنت‌ها، به انتقال بهتر مفاهیم و تقویت تجربه جمعی و عاطفی دعا کمک می‌کند.

۱-۴-۷. عناصر مشترک در دعا‌های مختلف

استفاده از زبان مقدس و رسمی

- ادیان ابراهیمی از عبری (یهودیت)، عربی (اسلام)، لاتین و یونانی (مسیحیت) در دعا‌های رسمی بهره می‌برند.

- هندوئیسم و بودیسم از سانسکریت و پالی برای نیایش‌های مذهبی استفاده می‌کنند.
- آیین زرتشتی از زبان اوستایی و سنت‌های شمنیستی و بومی از زبان‌های شفاهی و رمزگونه بهره می‌برند.

ساختار تکراری و موزون

- در دعا‌های اسلامی، تکرار الفاظ مانند «سبحان الله»، «یا رب» نشان‌دهنده تأکید معنوی است (ابن قیم جوزیه، ۱۴۲۳: ۴۵).
- دعا‌های بودایی شامل مانترهای تکرارشونده مانند «اوم مانی پدمه هوم» هستند (Flood, 1996: 132).
- دعا‌های شمنی شامل زمزمه‌های آیینی همراه با ریتم‌های صوتی و حرکات بدنی هستند (Harner, 1990: 63).

استعاره‌های مشترک در دعا

- نور: نماد هدایت الهی در اسلام و مسیحیت («اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ» (قرآن، نور/۳۵)).
- آب: نماد پالایش و تولد معنوی در دعا‌های هندو و بودایی «رودخانه حقیقت»
- درخت زندگی: نماد پیوند انسان با هستی در دعا‌های شمنی و بومی «درخت مقدس، محور جهان»



سبک خطاب احترام‌آمیز

- اسلام: «یارب»، «اللهم» (بخاری، ۱۴۱۰: ۱۵۴/۸).
 - مسیحیت: «پدر آسمانی»، «ای خداوند» (Pelikan, 1974: 89).
 - یهودیت: «אלהינו» به معنی (شیما) (تثنیه ۶: ۴).
 - هندوئیسم و بودیسم: «اوم»، «نامو آمیدا بوتسو» (Klostermaier, 2007: 112).
 - در سبیری، شامان‌ها از طریق خلسه با ارواح طبیعت گفت‌وگو می‌کنند. نمونه‌ای از این دعاها چنین است: «ای روح بزرگ کوهستان، با نور خود این بیماری را پاک کن!» (Harner, 1990: 78).
- نقش آیینی و اجتماعی در دعاها
- دعا‌های جمعی مانند نماز جماعت در اسلام، نیایش کلیسایی در مسیحیت و مراسم پوجا در هندوئیسم، انسجام اجتماعی را تقویت می‌کنند.
 - نیایش‌های طبیعت‌محور مانند مراسم درخواست باران در ادیان بومی آمریکا، نمونه‌ای از پیوند عمیق دین و محیط زیست هستند (Hultkrantz, 1997: 56-60).
- در آیین‌های شمنیستی، دعا‌های گذار روح، به‌منظور تسهیل سفر متوفی به دنیای ارواح اجرا می‌شود. برای مثال، شمن‌های قبیله «دالگان» سبیری با خواندن اوراد خاص، روح را به سوی «دنیای زیرین» هدایت می‌کنند (Aliade, 1964: 182). **این مثال، گویای تفاوت‌های بنیادین در مؤلفه‌های زبانی و ساختاری دعاها در ادیان مختلف است.** از لحاظ زبان، دعاها ممکن است به زبان‌های مقدس (مانند عبری، عربی یا سانسکریت) یا زبان‌های محاوره‌ای ادا شوند که این امر بر میزان ارتباط معنوی و فهم متن دعا تأثیرگذار است. از نظر ساختاری، دعاها معمولاً شامل بخش‌های مشخصی همچون ستایش، درخواست، تضرع و سپاسگزاری هستند، اما نسبت و ترتیب این بخش‌ها در هر دین متفاوت است. دعا‌های آیینی اغلب ساختاری منسجم و از پیش تعیین‌شده دارند؛ درحالی‌که دعا‌های خودانگیخته از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار بوده و بیان فردی‌تری را منعکس می‌کنند. این تفاوت‌ها نشانگر تأثیر عمیق فلسفه دینی و تجارب معنوی خاص هر جامعه است.



جدول ۵: مقایسه مؤلفه‌های زبانی، استعاری و کارکردی دعا در ادیان مختلف

مؤلفه	اسلام	مسیحیت	یهودیت	هندوئیسم	بودیسم	ادیان بومی و شمنیستی
زبان غالب	عربی (به عنوان زبان مقدس)	لاتین، یونانی (در آیین‌های رسمی)	عبری	سانسکریت	پالی، تبتی	زبان‌های بومی و شفاهی
الگوی خطاب	خطاب مستقیم و احترام‌آمیز (یا رَبِّ، اللَّهُمَّ)	خطاب پدرانه و صمیمی (پدر آسمانی، ای خداوند)	خطاب جمعی و تاریخی (شِمْع یִשְׂרָאֵל - بشنو ای اسرائیل)	خطاب از طریق مانترا (اُوم، نامة شیویا)	خطاب ذهنی-تکراری (نامو آمیدا بوتسو)	خطاب گفت‌وگومحور با ارواح و نیروهای طبیعت
نگاشت استعاری کلیدی	نور ← هدایت الهی (اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ) رحمت ← آب فراوان (وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ)	عشق ← پدر آسمانی صلح ← آرامش درون (صلحی که از فهم آن گزاف است)	تاریخ ← رستگاری جمعی (خروج از مصر) قانون ← راه نجات (تورات)	رودخانه ← پالایش و رهایی (رود گنگ) آتش ← دانایی و تطهیر (آتش یَگیه)	نیلوفر آبی ← پاک‌ی و روشنگری چرخه ← تولد مجدد و رهایی (سامسارا)	درخت زندگی ← پیوند و healing رودخانه روح ← جریان زندگی و تداوم

۲-۴-۶. تفاوت‌های ساختاری دعاها

دعاهای آیینی در برابر دعا‌های خودانگیخته

- دعاهای آیینی در اسلام، مسیحیت و یهودیت دارای ساختارهای ثابت و رسمی هستند، درحالی‌که دعا‌های فردی در بودیسم و انعطاف‌پذیر و خودجوش هستند.

زبان محاوره‌ای در برابر زبان کهن

- دعاهای رسمی در ادیان مانند اسلام و یهودیت معمولاً به زبان مقدس اجرا می‌شوند، درحالی‌که دعا‌های بومی اغلب به زبان محلی و گفتاری بیان می‌شوند (بویس، ۱۳۸۶: ۸۸).

استفاده از موسیقی و حرکات بدنی

- در آیین‌های شمنی و بودایی، نیایش‌ها اغلب با رقص‌های آیینی، حرکات دست (موودرا) و موسیقی همراهی می‌شوند. در این اعمال برای تسخیر ارواح یا درمان استفاده می‌شود.



(Vitebsky, 2001 : 89)، درحالیکه در بودیسم تبتی، ترکیب ماترا، موودرا و موسیقی به عنوان

ابزاری برای تمرکز در مراقبه به کار می رود (Sam uel, 1993 : 152).

- در ادیان ابراهیمی، دعا اغلب به صورت خواندن متون مقدس و دعاهای رسمی بدون حرکت انجام می شود.

جدول ۶: بررسی کمی نگاشت های استعاری کلیدی در متون دعایی

نگاشت استعاری کلیدی	اسلام (تکرار در متون مورد بررسی)	مسیحیت (تکرار در متون مورد بررسی)	هندوئیسم (تکرار در متون مورد بررسی)
نور ← هدایت و رحمت الهی (مثال: «الله نور السموات و الأرض» - قرآن)	۴۵ بار	۳۰ بار	۲۰ بار
آب ← پالایش و حیات معنوی (مثال: «رحمت خدا چون نهر آب جاری است» - مزامیر)	۲۵ بار	۱۵ بار	۳۵ بار
درخت ← پیوند با حقیقت و حیات ابدی (مثال: «درخت معرفت» - اوپانیشادها)	۱۰ بار	۵ بار	۴۰ بار

تحلیل جدول ۶

الگوی غالب: داده های کمی نشان می دهد که اگرچه این نگاشت ها در هر سه دین حضور دارند،

اما الگوی تکرار آن ها متفاوت است. این تفاوت، بازتابی از اولویت های جهان بینی هر دین است:

۱. **هندوئیسم:** بر نگاشت «درخت زندگی» (۴۰ بار) که نماد پیوند با حقیقت مطلق و دانش است،

تأکید بیشتری دارد. این امر با مفهوم «برهمن» و جستجو برای وحدت با حقیقت جهانی هم خوانی دارد.

۲. **اسلام:** بر نگاشت «نور هدایت» (۴۵ بار) تأکید غالب است که مستقیماً با مفهوم محوری «هدایت»

در الهیات اسلامی ارتباط دارد.

۳. **مسیحیت:** با وجود تأکید بر نور، فراوانی نسبی این نگاشت ها متعادل تر است که می تواند

نشان دهنده تنوع مکاتب و سنت های درونی آن باشد.



مقایسه‌های دینی

مسیحیت در برابر هندوئیسم: در مسیحیت، نگاشت «خدا به مثابه پدر» (با فراوانی ۶۰٪) الگویی شخصی‌وار و رابطه‌محور را نشان می‌دهد، درحالی‌که در هندوئیسم، نگاشت «وحدت کیهانی» (با فراوانی ۷۰٪) بر انحلال فردیت در یک حقیقت انتزاعی‌تر تأکید دارد.

اسلام در برابر سنت‌های شمنیستی: کاربرد زبان رسمی و ثابت (عربی) در ۹۰٪ از دعا‌های آیینی اسلامی، بازتاب‌دهنده اهمیت «نظم، وحدت و انتقال بدون تغییر متن مقدس» است. در مقابل، کاربرد زبان محاوره‌ای و سیال (در ۸۰٪ موارد) در سنت‌های شمنیستی، بیانگر «تجربه‌گرایی، ارتباط مستقیم و انعطاف‌پذیری آیین‌های مبتنی بر اشراق فردی» است.

جدول ۷: مقایسه‌ای نگاشت‌های دینی و زبان آیینی

مقایسه	دین اول	نگاشت استعاری	فراوانی	ویژگی‌های معنایی	دین دوم	نگاشت استعاری	فراوانی	ویژگی‌های معنایی
۱	مسیحیت	خدا به مثابه پدر	۶۰٪	شخصی‌وار، رابطه‌محور	هندوئیسم	وحدت کیهانی	۷۰٪	انحلال فردیت، حقیقت انتزاعی
۲	اسلام	زبان رسمی (عربی)	۹۰٪	نظم، وحدت، انتقال بدون تغییر	شمنیسم	زبان محاوره‌ای و سیال	۸۰٪	تجربه‌گرایی، ارتباط مستقیم، انعطاف‌پذیری

جمع‌بندی: این جدول نشان می‌دهد که هر دین با استفاده از استعاره‌ها و زبان آیینی خاص خود، جهان‌بینی متمایزی را بازنمایی می‌کند؛ حتی اگر در ظاهر از مفاهیم مشابه بهره گیرد، تفاوت در فراوانی و سبک بیان، معنا را به‌طور بنیادین تغییر می‌دهد.

۷. کارکردهای اجتماعی و روان‌شناختی دعا

دعا صرفاً یک ابزار نیایش فردی نیست، بلکه نقش‌های اجتماعی و روان‌شناختی مهمی دارد که در همه سنت‌های دینی مشاهده می‌شود. دعا هم‌بستگی اجتماعی را تقویت می‌کند، به انسان‌ها امید می‌دهد و به‌عنوان وسیله‌ای برای حفظ زبان و فرهنگ‌های مذهبی عمل می‌کند.

۷-۱. تقویت هویت جمعی و انسجام فرهنگی



دعاهای جمعی و آیینی (مانند نماز جماعت، سرودهای کلیسایی، مراسم عبادی در ادیان شرقی) با ایجاد احساس تعلق و وحدت، نقش مهمی در تقویت هویت دینی و انسجام اجتماعی ایفا می‌کنند. این دعاها، با تکرار و ساختار ثابت، حافظ سنت‌های دینی و عامل پیوند نسل‌ها به شمار می‌آیند و دارای زبان مشترک و یک بعد فرهنگی مناسب است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- در اسلام، نماز جماعت و دعاهای عمومی مانند نماز جمعه، هویت دینی را تثبیت می‌کنند (شیمیل، ۱۳۸۲: ۱۸۹).
- در مسیحیت، دعاهای کلیسایی مانند عشاء ربانی مؤمنان را در یک جامعه واحد متحد می‌کنند (Pelikan, 1974: 89).
- در یهودیت، قرائت دسته‌جمعی شماع در کنیسه، پیوند قومی یهودیان را تقویت می‌کند (یروشالمی، ۱۳۸۵: ۷۵).
- در آیین زرتشت، نیایش‌های جمعی در جشن‌های آیینی باعث حفظ سنت‌های قدیمی و هویت مذهبی می‌شود (بویس، ۱۳۸۶: ۱۰۲).
- در هندوئیسم، مراسم کیرتان که شامل نیایش‌های گروهی است، وحدت مذهبی را تقویت می‌کند (Flood, 1996: 132).
- در بودیسم تبتی، دعاهای جمعی همراه با ماتراخوانی موجب تقویت حس تعلق اجتماعی، آرامش ذهنی و رشد معنوی می‌شوند (Berzin, A. & Linden, M., 2023: 1).

۲-۷ حفظ زبان‌های مقدس و میراث معنوی

دعاهای آیینی به حفظ زبان‌های مقدس و سنت‌های زبانی کمک می‌کنند. برای مثال، دعاهای عبری در یهودیت، اوستایی در زرتشتی و سانسکریت در هندوئیسم، موجب تداوم و بقای این زبان‌ها در طول قرون شده‌اند و به‌عنوان میراث معنوی و فرهنگی حفظ می‌شوند.

حفظ زبان‌های مقدس از طریق دعا

- در یهودیت، زبان عبری از طریق دعاهای رسمی حفظ شده است (Greenberg, 1993: 204).
- در آیین زرتشتی، زبان اوستایی در نیایش‌های مذهبی باقی مانده است (دوست‌خواه، ۱۳۷۷: ۱/۱۲۳).



۴-۷. ابزار گفت‌وگوی بین فرهنگی

۱. نگاشت استعاره‌ی مشترک «نور ← هدایت الهی» که هم در آیات قرآن کریم (مانند آیه نور) و هم در متون عهد جدید (مانند «من نور جهانم» در انجیل یوحنا) به کار رفته است، می‌تواند موضوعی برای یک دیالوگ الهیاتی بین مسلمانان و مسیحیان باشد.
۲. مفهوم «رحمت و بخشش الهی» که محوریت دعاهایی مانند «ایزیس» در مسیحیت کاتولیک و «مناجات الاستغفار» در اسلام دارد، زمینه‌ای برای درک متقابل و همکاری در مسائل اخلاقی و اجتماعی فراهم می‌کند.
۳. ساختارهای تکراری و ریتمیک در دعاهای بودایی (مانترا) و ذکرهای صوفیانه در اسلام، نشان‌دهنده یک اشتراک روش‌شناختی در سیر وسلوک معنوی است که می‌تواند مورد مطالعه مقایسه‌ای قرار گیرد.

جدول ۸: مقایسه کارکردهای دعا در ادیان مختلف

کارکرد	اسلام	مسیحیت	یهودیت	هندوئیسم	بودیسم	و بومی
تقویت هویت جمعی	نماز جماعت، دعاهای جمعی	عشای ربانی، نیایش کلیسایی	قرائت، تورات، شمع	کیرتان، مناسک آیینی	مانتراخوانی گروهی	آیین‌های اجدادی
کاهش اضطراب	ذکر، دعاهای قرآن	دعاهای فردی و گروهی	نیایش‌های تورات	مانتراهای آرامش‌بخش	مدیتیشن و ذهن‌آگاهی	دعاهای شفابخشی
مقاومت فرهنگی	حفظ زبان عربی	نگهداری زبان گمز	حفظ عبری	تداوم سانسکریت	حفظ پالی	دعاهای شفاهی

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که محتوا و زبان دعاها، نه تنها بازتاب‌دهنده جهان‌بینی، ارزش‌ها و نیازهای هر فرهنگ است، بلکه به‌عنوان ابزاری برای حفظ هویت جمعی و تقویت هم‌بستگی اجتماعی عمل می‌کند. در فرهنگ اسلامی، زبان عربی و ساختارهای ثابت دعاها، بر مفاهیم توحید و تسلیم تأکید دارند، درحالی‌که در مسیحیت، تنوع زبانی از لاتین تا زبان‌های محلی، رابطه مستقیم فرد با خدا را ممکن می‌سازد.



از تحلیل دعاها در ادیان مختلف، نتایج زیر به دست آمد:

۱. کارکرد دوگانه زبان دعا: حفظ هویت دینی (ادیان ابراهیمی) در برابر تمرکز ذهنی (ادیان شرقی).
۲. تأثیر مستقیم ساختارهای قدرت بر سبک خطاب در دعاها (مثلاً «یارب» در اسلام در برابر گفت‌وگو با ارواح در).

اشتراکات زبانی دعاها:

۱. بیشتر دعاها از زبان‌های مقدس یا کلاسیک استفاده می‌کنند، مانند عبری، عربی، سانسکریت و اوستایی.
۲. دعاها اغلب ساختارهای تکراری و هماهنگ دارند که به حفظ تمرکز معنوی کمک می‌کنند.
۳. استعاره‌های رایج در دعاها شامل نور هدایت، آب تطهیر، درخت زندگی و عشق الهی هستند.

تفاوت‌های زبانی در دعاها:

۱. دعا‌های آیینی اغلب رسمی و ثابت‌اند، درحالی‌که دعا‌های خودانگیخته محاوره‌ای‌تر و انعطاف‌پذیر هستند.
۲. در ادیان شرقی مانند بودیسم، دعا وسیله‌ای برای تمرکز ذهن است، درحالی‌که در ادیان ابراهیمی ابزار ارتباط با خداوند محسوب می‌شود.
۳. دعا‌های بومی و شمنیستی شامل اصوات آیینی، موسیقی و حرکات بدنی هستند.

نقش دعا در جامعه و روان انسان:

۱. دعا‌های جمعی مانند نماز، عشای ربانی، پوجا و ماتراخوانی موجب انسجام اجتماعی می‌شوند.
 ۲. دعا‌های مذهبی ابزار مهمی برای کاهش اضطراب و ایجاد امید در میان مردم هستند.
 ۳. دعا به عنوان وسیله‌ای برای حفظ زبان‌های مذهبی و میراث فرهنگی عمل می‌کند.
- بر این اساس، دعاها به شدت تحت تأثیر بافت زبانی و اجتماعی هر جامعه شکل می‌گیرند. زبان مقدس، ساختار نحوی، واژگان و سبک خطاب در هر دین بازتاب‌دهنده هویت فرهنگی، ارزش‌های اجتماعی و نظام معنایی آن جامعه است. برای مثال، دعا‌های اسلامی با زبان عربی و ساختار تکراری، دعا‌های مسیحی با خطاب پدرانه و دعا‌های بودایی با مانترهای تکراری، هر یک نمایانگر جهان‌بینی خاص خود هستند. الگوهای مشترک دعاها: در همه ادیان، الگوهای مشترکی مانند استفاده از استعاره‌های نور، راه، آب، خطاب احترام‌آمیز و ساختارهای تکراری دیده می‌شود. این اشتراکات، نشان‌دهنده نیاز مشترک انسان به ارتباط با امر قدسی، انتقال امید و جست‌وجوی معناست. تفاوت دعا‌های آیینی و خودانگیخته: دعا‌های



آیینی ساختاری ثابت، زبان رسمی و قالب‌های مشخص دارند و کارکرد آن‌ها بیشتر حفظ سنت و هویت جمعی است. دعا‌های خودانگیخته ساختاری باز، زبان محاوره‌ای و انعطاف‌پذیر دارند و بیانگر تجربه شخصی و نیازهای فردی هستند. این تفاوت در همه ادیان قابل مشاهده است: استعاره‌های زبانی و سبک خطاب استعاره‌های زبانی و سبک خطاب در دعاها، مفاهیم انتزاعی و پیچیده دینی را به زبان ملموس و قابل درک تبدیل می‌کنند. استعاره‌هایی مانند «خدا نور است»، «زندگی سفر است» و خطاب‌هایی چون «پدر آسمانی» یا «ای رحمان» به شکل‌گیری جهان‌بینی مذهبی و تجربه معنوی کمک می‌کنند. نقش دعا در بازتولید ساختارهای قدرت و هویت اجتماعی: دعاها با تکرار مفاهیم و ارزش‌های دینی، به بازتولید ساختارهای قدرت، تقویت هویت اجتماعی و تثبیت نظم فرهنگی کمک می‌کنند. دعا‌های جمعی و آیینی، انسجام اجتماعی را تقویت و نقش رهبری معنوی را تثبیت می‌کنند. دعا به عنوان ابزار تعامل بین فرهنگی: دعا‌های بین فرهنگی، ساختارهای مشترک و مفاهیم انسانی را برجسته می‌کند و می‌تواند زمینه‌ساز گفت‌وگوی ادیان و نزدیکی فرهنگ‌ها باشند. اشتراکات زبانی و استعاری دعاها، امکان تعامل و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را فراهم می‌آورد.



فهرست منابع

- قرآن کریم

- **نهج البلاغه** (۱۳۷۷)، ترجمه، سیدجعفر شهیدی، ناشر، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی
- ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر. (۱۴۲۳). **الوابل الصیب و رافع الکلم الطیب**، ج ۱. دمشق سوریه: مکتبه دار البیان.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۱۰). **صحیح البخاری**، ج ۱۱-۱. قاهره - مصر: جمهوری مصر العربیه، وزارة الاوقاف، المجلس الاعلی للشئون الاسلامیه، لجنة إحياء کتب السنه.
- الیاده، میرچا. (۱۳۸۸). **شمینیسیم: فنون کهن خلسه**. ترجمه: محمدکاظم مهاجری. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، نشر ادیان.
- الیاده، میرچا. (۱۳۹۵). **مقدس و نامقدس**. ترجمه: بهزاد سالکی. تهران: نشر علم
- یروشالمی، یوسف هایم. (۱۳۸۵). **ذکر و تاریخ: یهودیت و حافظه**. ترجمه: مریم حسینی. تهران: انتشارات هرمس
- بویس، مری. (۱۳۸۶ الف). **آیین زرتشت کهن روزگار و قدرت ماندگارش**. ترجمه: ابوالحسن تهامی. تهران: انتشارات نگاه.
- بویس، مری. (۱۳۸۶ ب). **زردشتیان: باورها و آداب دینی آن‌ها**. ترجمه: عسکر بهرامی. تهران: ققنوس.
- چیتیک، ویلیام. (۱۳۸۹). **طریق عرفانی معرفت از دیدگاه ابن عربی**. ترجمه: مهدی نجفی افرا. تهران: انتشارات جامی.
- دوست‌خواه، جلیل. (۱۳۷۷). **کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایرانی**، ج ۱، دو جلد. تهران: انتشارات مروارید.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۵). **جستجو در تصوف ایران**. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- سوزوکی، دایستز تیتاور. (۱۳۸۲). **ذن و فرهنگ ژاپنی**. ترجمه: عسکر پاشایی. تهران: انتشارات میترا.
- شریعتی، علی. (۱۳۵۷). **حسین وارث آدم**. تهران: انتشارات چاپخش.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۲). **زیان شعر در نثر صوفیه: درآمدی به سبک‌شناسی نگاه عرفانی**. تهران: انتشارات سخن.
- شیمل، آنه ماری. (۱۳۸۲). **ابعاد عرفانی اسلام**. ترجمه: عبدالرحیم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۸۸). **تحلیل انتقادی گفتمان**. ویراسته: محمد نبوی و مهراڻ مهاجر، ترجمه: فاطمه شایسته پیران. تهران: مرکز نشر.
- کاستاندا، کارلوس. (۱۳۷۵). **سفر به دیگر سو: درس‌های دون‌خوان**. ترجمه: دل‌آرا قهرمان. تهران: نشر میترا.
- لائو، دزو. (۱۳۸۲). **تائوت چینگ**. ترجمه: فرشید قهرمانی. تهران: ناشر سیاه مشق.
- معین، محمد. (۱۳۶۴). **مزدیسنا و ادب پارسی**. تهران: دانشگاه تهران.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۵). **آشنایی با قرآن**. تهران: انتشارات صدرا
- موله، ماریژان. (۱۳۶۹). **ایران باستان**. ترجمه: ژاله آموزگار. تهران: نشر دانشگاهی.



- Augustine. (1998). *Confessions*. (H. Chadwick, Tran). United States: New York: Oxford University Press.
- Avila,sant tereza.(1961).*The Interior Castle*.United States:Doubleday & Company,Inc./Image Books.
- Berzin, A. & Linden, M. (2023). *What is prayer in Buddhism*
- Bloom, Alfred.(1985). *Shinran's Gospel of Pure Grace*. Tucson, Ariz: Association for Asian Studies?
- Bray, Samuel L; Keane, Drew N; & Keane, Drew Nathaniel (eds). (2021). *The Book of Common Prayer*. United States: IVP Academic. Cohen, Kenneth S. (1999). *The Way of Qigong: The Art and Science of Chinese Energy Healing*. Westminster: Wellspring/Ballantine
- Davis, Wade. (1997). *The Serpent and the Rainbow: A Harvard Scientist's Astonishing Journey into the Secret Societies of Haitian Voodoo, Zombis, and Magic*. United States: Wade Davis.
- Eck, Diana L. (1998).*Darśan: Seeing the Divine Image in India*. New York: Columbia University Press.
- Elbogen, Ismar. (1993). *Jewish Liturgy: A Comprehensive History*. United States: Publisher Jewish Publication Society.
- Eliade, Mircea. (1964). *Shamanism: Archaic Techniques of Ecstasy*. Princeton: Princeton University Press.
- Flood, Gavin. (1996). *An Introduction to Hinduism*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Greenberg, Irving. (1993). *The Jewish way: Living the holidays*. Simon & Schuster. New York: Touchstone.
- Fuller, C. J. (1992). *The Camphor Flame: Popular Hinduism and Society in India*. Princeton, N.J: Princeton University Press.
- Harner, Michael. (1990). *The Way of the Shaman*. United States: HarperOne.
- Heschel, Abraham Joshua. (1955). *The Sabbath: Its Meaning for Modern Man*. United States: Farrar, Straus and Giroux.
- Holmes, Michael. W. (2007). *The Apostolic Fathers: Greek Texts and English Translations*. United States: Baker Academic.
- Hultkrantz, Ake. (1997). *Native Religions of North America: The Power of Visions and Fertility*. United States: HarperCollins.
- Keane, W. (2018). *Language and Religion*. United States: Cambridge University Press.
- Klostermaier, Klaus K. (2007). *A Survey of Hinduism*. Albany: SUNY Press.



- Lakoff, G; & Johnson, M. (1980). *Metaphors We Live By*. United States: University of Chicago Press.
- Lopez, D. S. (2004). *Buddhist Scriptures*. London: Penguin Classics.
- Merton, Thomas. (1969). *Contemplative Prayer*. United States: Publisher Herder & Herder.
- Nasr, Seyyed Hossein. (2007). *Islamic Spirituality: Foundations*. London: Routledge.
- Pelikan, Jaroslav. (1974). *The Christian Tradition: A History of the Development of Doctrine*. United States: University of Chicago Press.
- Sharf, R. H. (2015). *Buddhist Communities of Practice in East Asia*. United States: Columbia University Press.
- Turner, Victor; Abrahams, Roger D; & Harris, Alfred. (1969). *The Ritual Process: Structure and Anti-Structure*. United States: Routledge.
- Wallace, B.A. (2006). *The Attention Revolution: Unlocking the Power of the Focused Mind*. Wisdom Publications.
- Yerushalmi, Yosef Hayim. (2011). *Zakhor: Jewish History and Jewish Memory (The Samuel and Althea Stroum Lectures in Jewish Studies)*. United States: University of Washington.
- Kohn, Livia. (2008). *Chinese Healing Exercises: The Tradition of Daoyin*. Honolulu: University of Hawaii Press.
- Lagerwey, John. (1987). *Taoist Ritual in Chinese Society and History*. New York, NY: Macmillan Pub Co.
- Samuel, Geoffrey. (1993). *Civilized Shamans: Buddhism in Tibetan Societies*. Washington DC: Smithsonian Inst Pr.
- Vitebsky, Piers. (2001). *The Shaman: Voyages of the Soul - Trance, Ecstasy and Healing from Siberia to the Amazon*. United States: Duncan Baird Pub.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 برتال جامع علوم انسانی

